

## Ensha Divan and Reconstruction of Administrative Literature in the Ilkhanate Period

Toktam Yarmohammadi<sup>1</sup> | Hoshang Khosrobeigi<sup>2</sup>

<sup>1</sup>. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University. Iran.

Email: [toktamyarmohamadi@yahoo.com](mailto:toktamyarmohamadi@yahoo.com)

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of history, Payam Noor University. Iran. Email: [kh\\_beag@pnu.ac.ir](mailto:kh_beag@pnu.ac.ir)

| Article Info  | ABSTRACT   |
|---|--|
| <p>Article type:<br/>Research Article</p> <p><b>Article history:</b><br/>Received: 23 April 2021<br/><b>Received in revised form:</b> 3 Sep 2021<br/>Accepted: 18 Sep 2021<br/><b>Published online:</b> 23 Oct 2021</p> <p>Keywords:<br/>Mongol,<br/>Ilkhanate Period,<br/>Ensha Divan,<br/>Iranian administrative.</p> | <p>The purpose of this study is to analyze the structure and function of the Divan of composition and writing in the Ilkhanate period and the changes that were caused by the Mongol invasion of Iran and the formation government. The Mongols and then the Ilkhans were aware of the importance and necessity of having a correspondence department in their administrative organization; Due to distrust of the secretaries of the open territory, they tried to change the previous routine of the existing organization. Part of this change was due to this process and part was due to the consequences of the establishment of Mongol tribes in Iran, the Iranian administrative organization was able to revive the organization of the Composing Divan, The purpose of this study is to identify these changes in conflict or inconsistencies with the pre-Mongol routine and why and how the process of reviving the composition the Divan of Composition. The results of this study, which is done with a descriptive-analytical approach and qualitative analysis method of existing reports, show that these changes including changes in the position of the Composing Dian and its staff, language and literature, text of documents and its compositions, changes related to trends and procedures can be identified in the Composition Divan, the most important event, like other events formed in the administrative organization of the Ilkhanate period, is the formation of a dual Mongol-Iranian system in the organization of the Divan of Composition, a system whose Iranian elements were gradually highlighted.</p> |

**Cite this article:** Yarmohammadi, Toktam & Hoshang Khosrobeigi. (ff f). *Ensha Divan and Reconstruction of Administrative Literature in the Ilkhanate Period*. Journal of Historical Researches of Iran and Islam vol 15 No 29, Pgs 461-488.

DOI: [10.22111/JHR.2021.37029.3035](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.37029.3035)

© The Author(s). Yarmohammadi, Toktam & Hoshang Khosrobeig Publisher: University of Sistan and Baluchestan



DOI: [10.22111/JHR.2021.37029.3035](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.37029.3035)

## دیوان انشاء و بازآفرینی ادبیات اداری در دوره ایلخانان

تکتم یارمحمدی<sup>۱</sup> | هوشنگ خسروبیگی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

| اطلاعات مقاله   | چکیده   |
|---|---|
| <b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی  | هدف این پژوهش بررسی و تحلیل ساختار و کارکرد دیوان انشاء و کتابت در دوره ایلخانان و تغییراتی است که به واسطه حمله مغول به ایران و تشکیل حکومت ایلخانی در این دیوان ایجاد گردید. مغولان از همان آغاز و سپس ایلخانان به اهمیت و ضرورت وجود بخش مکاتبات در تشکیلات اداری خود واقف بودند؛ ولی به دلیل بی‌اعتمادی به دبیران قلمرو مفتوحه تلاش داشتند در روال پیشینی تشکیلات موجود تغییر ایجاد کنند. بخشی از این تغییرات ناشی از این روال و بخشی نیز ناشی از پیامدهای استقرار اقوام مغولی و گروه‌های وابسته به آنان در ایران بود. با این حال همچون دوره‌های گذشته، تشکیلات اداری ایرانی توانست در کنار احیای دیگر بخش‌ها، تشکیلات دیوان انشاء را احیا کند. مسئله این بررسی شناسایی این تغییرات در تعارض یا ناهمسانی‌ها با روال پیش از حمله مغول و چرایی و چگونگی فرایند احیای تشکیلات دیوان انشاء، است. نتایج این پژوهش که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل کیفی گزارش‌های موجود صورت گرفته، نشان می‌دهد که این تغییرات در چهار حوزه شامل تغییرات در جایگاه دیوان انشاء و کارکنان آن، زبان و ادبیات نگارش، متن اسناد و ترکیبات و اضافات آن و در نهایت تغییرات مرتبط با روندها و رویه‌ها در دیوان انشاء قابل‌شناسایی است. در این میان مهم‌ترین رویداد همچون دیگر رویدادهای شکل‌گرفته در تشکیلات اداری دوره ایلخانان، شکل گرفتن یک نظام دوگانه مغولی-ایرانی در تشکیلات دیوان انشاء است نظامی که به تدریج عناصر ایرانی آن پرنگ شد. |
| <b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۰/۰۲/۰۳<br>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲<br>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷<br>تاریخ نشر آنلاین: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱ |   |
| <b>واژه‌های کلیدی:</b><br>مغول،<br>ایلخانان،<br>دیوان انشاء،<br>دیوان سالاری ایرانی.                                    |   |

**استناد:** یارمحمدی تکتم، خسروبیگی هوشنگ (۱۴۰۰). دیوان انشاء و بازآفرینی ادبیات اداری در دوره ایلخانان. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۵ شماره

۲۹، ص ۴۶۱-۴۸۸

DOI: [10.22111/JHR.2021.37029.3035](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.37029.3035)

## مقدمه

بخش مهمی از میراث ادبیات اداری در طول تاریخ ایران بر عهده دبیران بود. در میان این اشخاص، دبیران و متصدیان تشکیلات دیوان انشاء به دلیل نوع وظایف، جایگاه مهمی داشتند. دیوان انشاء در تشکیلات اداری ایران وظیفه سازمانی حفظ و حراست از ادب فارسی در حوزه اداری را عهده‌دار بود. بر همین اساس در تندباد رویدادها از جمله مهاجمه‌ها و تغییرات سیاسی، زبان و ادب فارسی توانست جایگاه خود را به‌عنوان زبان رسمی تشکیلات اداری حفظ کند. یکی از این حوادث مهم، حمله مغول و فروپاشی تشکیلات اداری ایران و ورود عناصر جدید قومی، فرهنگی و زبانی تازه به ایران بود. حدت این مهاجمه و کثرت مهاجران حامل زبان جدید، موجب شد که این رویداد با رویدادهای پیشین خود در تغییرات سیاسی هیات حاکمه متفاوت باشد. به‌خصوص آنکه مغول‌ها، سنت‌های اداری ختایی را پیش‌از این اخذ کرده و آن را الگوی خود در آداب حکمرانی قرار داده بودند و تمایل داشتند تمامی عناصر اجتماعی و فرهنگی قوم مغلوب را ویران سازند و زبان، اصطلاحات و واژگان اداری خود را با زبان اداری مملکت مفتوحه، جایگزین کنند. از آغاز حمله مغول در سال ۶۱۷ ق، تقریباً بخش مهم نظام اداری ایران به محاق رفت و صاحب‌منصبان ارشد یا کشته شدند، یا گریختند؛ گروهی نیز - که جزو کارکنان فروتر بودند - توانستند جان به در برند و پس از فروکش شدن آتش مهاجمه‌های اول، در سلک کارکنان اداری نظام جدید قرار گیرند. مناصب ختایی - مغولی و با صاحب‌منصبان غالباً مغولی یا منتسب به مغولی و در نهایت ایرانیان قابل‌اعتماد سرداران مغول، امور اداری قلمرو مفتوحه را زیر نظارت امرای مغول بر عهده گرفتند. از میان دیوان‌های پنج‌گانه در تشکیلات اداری ایران، دو دیوان که مغولان از همان آغاز به آن‌ها احساس بی‌نیازی می‌کردند، بیشترین لطمه را متحمل شدند؛ دیوان عرض که امور لشکری را پشتیبانی می‌کرد و مغول‌ها به لحاظ روحیه جنگاوری و توانمندی خود در امور نظامی و بی‌اعتمادی به ایرانیان در امور نظامی، عرض و عارض را در نظام جدید به کار نگرفتند (۱). دیوان دیگر دیوان انشاء بود که مغولان نیز منشی‌الممالک و دیوان او را به کناری نهادند و از روش مکاتبات خود استفاده کردند. با این حال، دبیران و کارکنان اداری توانستند این بار نیز وظیفه تاریخی خود را در میراث اداری سازمان اداری و به‌تبع آن در حفظ زبان اداری فارسی انجام دهند و

مجدداً دیوان انشاء و کارکردهای آن را احیا کنند. با این حال دیوان انشاء همچون دیگر بخش‌های تشکیلات اداری متحمل تغییراتی شد.

با لحاظ مقدمه پیش‌گفته، مسئله این بررسی شناسایی این تغییرات در تعارض یا ناهمسانی‌ها با روال پیش از حمله مغول و چرایی و چگونگی فرایند احیای تشکیلات دیوان انشاء، است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تحلیل محتوای کیفی منابع موجود و در حوزه مطالعات کتابخانه‌ای و باهدف شناسایی زمینه‌های کمک‌کننده به این بازآفرینی، سامان یافته است. در خصوص موضوع - یعنی دیوان انشاء و کارکردهای مرتبط با حوزه این دیوان - تاکنون برخی تحقیقات صورت گرفته است، اما با مسئله موردنظر این پژوهش، مرتبط نیستند. از جمله: پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «سبک‌شناسی متون تاریخی دوره ایلخانی (با تأکید بر تاریخ جهانگشا، جامع التواریخ و تاریخ و صاف)»، نوشته وحید ثقفی در سال ۱۳۹۲ ش و مقاله «آلات کتابت و بیان آداب و عادات دبیری، برگرفته از نسخه جلالیه»، نوشته قنبرعلی رودگر که در سال ۱۳۸۶ نوشته شده است؛ نویسندگان این مقاله با استفاده از نسخه خطی تحفه جلالیه نوشته محمدعلی ناموس‌خواری، به بیان چگونگی آداب و آلات و نیز شرایط، زمان و مکان کاتب پرداخته است. مقاله دیگر با عنوان «پژوهشی در ساختار مجموعه‌های منشآت دبیری و تحول آیین‌های نگارش در دوره مغول»، نوشته ریوکو واتابه است، نویسنده در این پژوهش ضمن بررسی قدیمی‌ترین منشآت در دوره سلجوقی و خوارزمشاهی، به تغییر و تحول منشآت نویسی در دوره مغول پرداخته است. محسن روستایی نیز در کتاب «ادبیات تاریخی و دیوان سالاری ایران عهد مغول تا سرآغاز دولت صفویه با تکیه بر متون نثر و اسناد مکتوب تاریخی»، اشاراتی به موضوع این پژوهش دارد. مقاله «عوامل مؤثر بر جایگاه تاریخ‌نگاری در ادبیات اسماعیلیان از آغاز تا پایان قرن هفتم هجری»، به لحاظ هم‌زمانی با دوره ایلخانی به لحاظ سبکی موردتوجه قرار گرفت. همچنین پژوهش «اثرات هجوم مغول در سیر جغرافیا نویسی»، تأثیرات حمله مغول بر تاریخ‌نگاری جغرافیای تاریخی را بررسی کرده است و در باب تاریخ‌نگاری راهگشای کار بود.

### پیشینه دیوان انشاء و کتابت در دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان

دیوان انشاء - و نه الزاماً با همین عنوان - یکی از قدیمی‌ترین بخش‌های تشکیلات اداری در ایران باستان است (کریستین سن، ۱۳۷۹: ۱۵۰-۱۵۲). پس از آن، سنت دبیری وارد تشکیلات اداری خلفای مسلمان شد و از طریق تشکیلات اداری خلفای عباسی و نیز سنت‌های اداری محلی و دبیران ایرانی، دیوان انشاء به‌مانند سایر دیوان‌ها، در تشکیلات اداری حکومت‌های ایرانی احیا شد. دیوان انشاء از نظر اهمیت پس از دیوان وزارت بود. بنداری در دوره سلجوقی، دیوان انشاء را بعد از دیوان استیفا قرار داده است (بنداری، ۱۳۵۶: ۴۳). اهمیت طغرای در این دیوان و مجالست او با سلطان موجب شد که در دوره سلجوقی عنوان این دیوان به «دیوان انشاء و طغرا» (۲) تبدیل شود. در دوره خوارزمشاهیان مسئولیت دیوان انشاء با منشی الممالک بود (خسرو بیگی، ۱۳۸۸: ۲۱۲). رشیدالدین وطواط، شاعر و ادیب دربار آتسز خوارزمشاه و بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی ادیب دوره تکش خوارزمشاه و شهاب‌الدین نسوی از بزرگ‌ترین رو س‌ای دیوان انشاء دوره خوارزمشاهی بودند (بهاء‌الدین بغدادی، ۱۳۸۵: ۴؛ نسوی، ۱۳۲۴: ۱۳۳). با حمله مغول و سپس تشکیل حکومت ایلخانان، شاهد بروز تغییراتی در تشکیلات اداری هستیم در بخش دیوان انشاء این تغییرات را در چهار محور می‌توان شناسایی کرد: اول: روند تغییرات جایگاه دیوان انشاء و کارکنان آن؛ دوم: تغییرات مرتبط با زبان و ادبیات نگارش در دیوان انشاء؛ سوم: تغییرات در انواع اسناد و محتوای اسناد شامل ترکیبات متن و اضافات اسناد؛ چهارم: تغییرات در فرایندها و رویه‌ها

### جایگاه دیوان انشاء و دبیران ایرانی در تشکیلات اداری دوره مغول و ایلخانان

مغولان در هنگام ورود به سرزمین ایران، فاقد تشکیلات اداری لازم برای اداره قلمرو مفتوحه بودند؛ آنچه که داشتند همان سنت‌های مغولی و یا برگرفته از آداب و رسوم اقوامی چون اویغورها بود که با مغولان درآمیخته بودند (روستایی، ۱۳۹۵: ۳۱۶). بخشی نیز حاصل اقتباس از تشکیلات اداری ختایی و مهم‌تر از همه مقرراتی بود که یاسای چنگیزی خوانده می‌شد که احتمالاً در ابتدا روال و روش نانوشت‌های بود که چنگیز در تشکیلات اداری خود وارد کرد و جانشینان او هم به تبعیت او از آن استفاده کردند. طبق نظر جوینی در محتوای یاسا مواردی مربوط به شیوه‌های اداری و مکاتبات هم

آمده است (جویی، ۱۳۸۵: ۱/ ۶۵-۶۰؛ فرخی، ۱۳۹۶: ۴۸). در کنار این موارد، حضور اویغورها نیز به مغولان در اداره امور کمک می‌کرد. مغول‌ها، به دلیل توانمندی اویغورها در مکاتبات، آنان را بکار گرفتند. از جمله مغول‌ها از همان آغاز ظاهراً تشکیلاتی در حوزه انشاء و مکاتبات داشتند. گزارش‌های موجود از وجود مکتوبات نشان‌دهنده وجود این تشکیلات در حوزه فعالیت‌های دیوان انشاء است (رشیدالدین فضل‌الله: ۱۳۷۳: ۳/ ۲۲۰۷)؛ همچنین رشیدالدین فضل‌الله از «بلغای آقا» نام می‌برد که در دوره منگوقاآن، «سرور کتاب» بود و مقرر بود که «امثله و فرامین او نویسد و سواد کند» و در کنار او بیتکچیان مسلمانانی بودند که در دوره اوگتای قآن و گیوگ خان «به همان کار موسوم بودند» (رشیدالدین فضل‌الله: ۱۳۷۳: ۲/ ۸۴۷). این موارد موجب شد که مغولان در آغاز تا حدودی بی‌نیاز از تشکیلات دیوان انشای ایرانیان شوند. این اقدام منجر به رواج تغییراتی در دیوان انشاء شد. تغییراتی که دیوان انشاء و فعالیت‌های آن را تحت تأثیر خود قرار داد. باین‌حال همچون دیگر رویه‌ها در تشکیلات اداری ایران در این دوره، روندی دوگانه شامل آداب، سنت‌ها و رویه‌های پیشینی متکی بر میراث ایرانی در مقابل سنت‌های جدید ناشی از ورود مغول‌ها، حاکم بود؛ روندی که به تدریج عناصر نوپدید را کمرنگ ساخت؛ باین‌حال برخی از تأثیرات این نظام دوگانه بر سنت‌های اداری ایران باقی ماند.

بی‌اعتمادی مغول‌ها به کارکنان اداری خوارزمشاهیان و نیز به مغولان، موجب شد که در سال‌های آغازین استقرار امرای مغول، صاحب‌منصبان اداری ایرانی کمتر بکار گرفته شوند و عناوین شغلی تشکیلات اداری به‌خصوص در سطوح بالاتر، غالباً به کناری نهاده شود. از جمله «صاحب‌دیوانی انشاء» منصبی متروک شد. ضرورت استمرار عملکرد این دیوان موجب شد که مغول‌ها ضمن استفاده از اویغورها در تشکیلات اداری خود، به تدریج به کارکنان فروتر اداری ایرانی اعتماد کنند. از سوی دیگر ضرورت وجود تشکیلات اداری توانمند - که تأمین‌کننده نیاز مغولان در حکمرانی بود - موجب شد که به تدریج مفاد یا سا در حوزه اجرا در خدمت دیوان سالاران قرار گیرد (روستائی، ۱۳۹۵: ۳۱۵) همزمان با حکومت اکتای قآن و آغاز اولین تشکیلات مغول‌ها در خراسان توسط چینتمور - اولین حکمران مغولی در ایران (حکمرانی: ۶۲۸-۶۳۳ ق)، شرف‌الدین خوارزمی به‌عنوان نویسنده با او همراه شد و بعدها پس

از آموختن زبان ترکی و تسلط بر کارها به مقام «الغ بیتکچی» (۳) رسید (جوینی، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۷۰-۲۶۹). چیتنمور که پیشینه شحنگی خوارزم را داشت و با تشکیلات اداری خوارزمشاهیان و کارکرد آن آشنایی یافته بود، در بکارگیری کارکنان اداری ایرانی در تشکیلات اداری مغول‌ها سهم مهمی داشت. پیوستن خاندان جوینی به تشکیلات اداری جدید حاصل این رویه بود و به نظر می‌رسد این امر در کمک به احیای تشکیلات اداری دیوان انشاء موثر بود. کورکوز (حکمرانی: ۶۳۷-۶۴۱ ق) سومین امیر مغولی در ایران، خود از کارکنان اداری اویغوری بود که اندکی بعد از قبول مسوولیت به کسوت مسلمانی درآمد. وی را اصلاًگر نظام اداری در دوره حکمرانی حاکمان مغولی در ایران دانسته‌اند (Atwood, ۱۱: ۴۴۴). اقدامات جانشین وی امیر ارغون (حکمرانی: ۶۴۱-۶۵۴ ق) نشان دهنده علائق و توانایی‌های او در سامان دهی امور اداری است. به نظر می‌رسد حضور این دو حکمران در افزایش بکارگیری عناصر ایرانی در تشکیلات اداری ایرانی تأثیر زیاد داشته است؛ به گونه‌ای که در زمان خانی گیوک (۶۳۹-۶۴۷ ق) که با ایرانیان سر مهر نداشت، امور دیوان انشاء همچنان در دست ایرانیان بود. افراد با نفوذی همچون امیر عمادالدین بیتکچی، امور دیوان انشاء را در اختیار داشت (جوینی، ۱۳۸۵: ۸۷/۳).

با این حال ظاهراً همچنان آشفتگی بر دیوان انشاء حاکم بود. نویسنده گمنام کتاب تاریخ‌شاهی در این زمینه آورده است که دیوان انشاء در کرمان و سایر مناطق ایران تا قبل از آمدن مغولان دارای اهمیت بسیاری بود؛ اما با روی کار آمدن آن‌ها، وقفه‌ای در کار به وجود آمد و «از بی‌تمیزی اهل عصر در کنج تعطیل مانده بود و دیوان انشاء به کسانی که ایشان را استعداد و اهلیت آن نبود حواله» گردید (تاریخ‌شاهی قراختایان، ۱۳۵۵: ۸۳).

دوره ایلخانی هولاکو را برای بررسی تاریخ احیای دیوان انشاء باید حائز اهمیت دانست. تا این که در زمان قتلغ‌ترکان خاتون قراختائی -حاکم مورد حمایت مغولان در کرمان- کار دیوان انشاء در این خطه، اهمیت خود را بازیافت. قتلغ‌ترکان، ریاست دیوان انشاء خود را به ناصرالدین محمد بن طغرل سپرد. رئیس دیوان انشاء با بیانی شیرین و شیوا مکاتبات حاکم را نگاشته و به نقاط مختلف ارسال می‌کرد. در یکی از این مکاتبات نامه‌ای به هولاکوخان ارسال شد که وزیر اعظم خان مغول، ظاهراً

شمس‌الدین جوینی را مجذوب شیوه نگارش نامه کرد به گونه‌ای که جوینی را «همواره چشم انتظار بر راه رسل و رسایل کرمان» داشت (تاریخ شاهی قراختاییان، ۱۳۵۵: ۸۳). عبارتی مبالغه‌آمیز که ظاهراً ناشی از تعلق خاطر نویسنده تاریخ شاهی به ناصرالدین محمد است. ناصرالدین بن منتجب‌الدین معروف به منشی، نویسنده کتاب معروف سمط‌العلی‌للحضرة‌العلیا از دیگر اشخاصی بود که در عنفوان جوانی به سال ۶۹۳ ق، وارد تشکیلات دیوانی قتلغ‌ترکان، حاکم کرمان شد و به ریاست دیوان رسایل و انشاء رسید (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۵). وی با برخورداری از توانمندی که داشت به پیشرفت این دیوان کمک کرد و در نیمه اول حکومت ایلخانان که تشکیلات اداری ایرانی دچار رکود شده بود، توانست رونقی به دیوان انشاء کرمان بدهد.

با سپرده شدن امور دیوان انشاء به ایرانیان، کم‌کم کارکنان دیوان از بین آنان انتخاب شدند و تعدادشان نسبت به مغولان زیاد شد. گذشته از خاندان جوینی و کسانی که در دربار حاکمان مغولی دوباره به کار گرفته شدند، از جمله دیوانیان ایرانی در دوره ایلخانی که جزء سرآمدان هم محسوب می‌شدند، مجدالدین تبریزی را می‌توان نام برد که به اتهام خیانت به ایلخان و ارتباط با اردوی زرین به اتفاق سیف‌الدین بیتکچی و خواجه عزیزگرگی از دیگر دیوانیان هولاکو کشته شدند (ابن فوطی، ۱۳۷۴: ۴/۴۵۷). از نام‌های دیگر کاتبان و دبیران این دوره اطلاعاتی در اختیار نداریم؛ ولی این امر، به معنی نبود این افراد نیست؛ زیرا گردش امور در بخش مکاتبات، وجود این دبیران را الزامی می‌کرد و معمولاً افراد کم‌اهمیت و منشیان معمولی نام‌شان ذکر نمی‌شد. به نظر می‌رسد بسیاری از نویدسندگان و ادیبان دوره ایلخانی خود جزو کارمندان دیوان بودند و در سمت‌های مختلف مشغول به کار می‌شدند. آنان به علت شرایط سخت زندگی در آن دوران و برای امرار معاش و استفاده از توانمندی خود و دوباره به کار گرفته شدن وارد دیوان انشاء شدند (لین، ۱۳۸۹: ۳۳۰). و صاف در یک گزارش، به نقش منشیان ایرانی در ارتباطات خارجی اشاره دارد. به نوشته او: در زمان ارغون هنگامی که قافله‌های حج به علت نبود دستورالعمل‌های لازم دچار بی‌سرو سامانی گردیده بودند، حکم شد که «عزالدین جلال تاریخ مکتوبات نویدس تا مشکل حاجیان در حریم کعبه رفع گردد» (و صاف، ۱۳۳۸: ۲/۲۴۰). ایرانیان زیادی بودند که در دوره نامسلمانان ایلخانان به رونق دیوان انشاء کمک کردند. از جمله این افراد



عظاملک جوینی بود که در من صب فرمانروایی بغداد، دیوان انشاء را به نحو شایان توجهی باز سازی کرد. در دوره او نامه‌های اداری به فارسی و گاهی به مغولی نگاشته می شد و زبان عربی در مملکت عرب زبان کنار گذاشته شد (قلقشندی، ۱۹۷۰: ۹۴/۱).

همزمان با افزایش پر رنگ ایرانیان در تشکیلات اداری مغول‌ها، زمینه‌های احیای مناصب پیشین فراهم شد. یکی از سمت‌هایی که طبق نوشته‌های نخجوانی از ابداعات جوینی بود، «دفترداری ممالک» است. این مقام تدبیر و وسیله‌ای برای جلوگیری از طرح اتهام بر اقدامات دیوانی در تشکیلات اداری ایلخانان بود. برای این کار خواجه جمال‌الدین منشی انتخاب شد و او تمامی جمع و جبایت اموال و حساب دخل و خرج را به طور دقیق ثبت می کرد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۲۷). این سمت از دوره هولاکو تا پایان دوره اباقا همچنان برقرار بود. همچنین همزمان با اصلاحات غازان که زیر نظر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در بخش‌های مختلف سازمان اداری صورت گرفت، در دوره تصدی خواجه و خواجه سعدالدین ساوجی برای اولین بار پس از حمله مغول، مقام «منشی الممالک» احیا شد که تا قبل از مغولان رئیس تشکیلات انشاء به شمار می آمد. این مقام در دوره غازان در تصدی خواجه شهاب‌الدین مبارکشاه - فرزند شرف‌الدین سعدان از منشیان بزرگ - بود (رشید الدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: ۲/۱۳۲۳) و به احتمال زیاد به عنوان رئیس تشکیلات انشاء بوده و زیر دست دو وزیر بزرگ کار می کرد. نخجوانی از اصطلاح «اعاضم منشیان ممالک» و «منشی دیوان بزرگ» و «کاتب سر» نام می برد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۱۸-۱۲۲).

احیای منصب منشی الممالک در این دوره مهم‌ترین اقدام غازان خان در جهت رشد و ارتقای دیوان انشاء بود. با احیای دوباره منصب منشی الممالک که در دوره‌های ایلخانان اولیه به فراموشی سپرده شده بود؛ زبان فارسی در تشکیلات دیوانی ایلخانان بر زبان‌های ترکی و مغولی غلبه پیدا کرد و اهمیت گذشته خویش را تا حدود زیادی بازیافت (رشیدالدین، ۱۳۷۳: ۲/۱۳۲۳). به عنوان مثال به تدریج کاربرد اصطلاحات مغولی «یرلیغ» و «ایلچی» کم رنگ شد و اصطلاحات پیشین، یعنی «فرمان» و «رسول» تداوم یافت (وصاف، ۱۳۳۸: ۳/۳۴۷-۳۵۰). با وجود اینکه غازان خان شغل منشی الممالکی را دوباره احیا کرد ولی به نظر نمی‌رسد، ریاست این منصب اهمیت زمان قبل از حمله

مغول را بدست آورده باشد، زیرا مهم‌ترین دیوان‌ها برای ایلخانان دیوان‌هایی بود که با مسائل مالی و امور لشگری سر و کار داشتند. اهمیت دیوان انشا در دوره الجایتو نیز حفظ شد. در این دوره تاج‌الدین قزوینی به منصب ریاست دیوان انشا برگزیده شد. او یکی از کاربلدان این کار محسوب می‌گردید (القاشانی، ۱۳۸۴: ۷۵). در همین دوره و ولایتعهدی ابوسعید در خراسان، شرف‌الدین خطاط شیرازی به عنوان معلم او انتخاب شد. شرف‌الدین یکی از بزرگان حوزه کتابت بود و احترام زیادی نزد ایلخان اولجایتو داشت (خواندمیر، ۱۳۲۴: ۲۷).

همزمان با فرمانروایی آخرین ایلخان ابوسعید، دیوان انشاء به منتهای درجه رشد و بالندگی خود در دوره ایلخانان رسید. ویلبر معتقد است دوره ابوسعید یکی از دوره‌های تجدید حیات ادبی ایران به شمار می‌آید (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۹). بخش مهمی از این شکوفایی مرهون حضور افراد کاردان و خبره‌های همچون نخجوانی، منشی کرمانی، حمدالله مستوفی و خواجه‌غیاث‌الدین محمد بود. دومین شخصیت بزرگ در دیوان انشاء ایلخان، ناصرالدین منشی کرمانی بود که زمانی ریاست دیوان انشای کرمان را برعهده داشت. منشی از طرف ابوسعید به ریاست دیوان انشاء انتخاب و سر منشا خدمات زیادی گردید (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۶). حمدالله مستوفی نیز که در سلک نویسندگان خواجه‌شیدالدین و پسرش خواجه‌غیاث‌الدین بود، تاریخ‌گزیده را به نام خواجه‌غیاث‌الدین تصنیف کرد (خواندمیر، ۱۳۲۴: ۳۱-۳۲). در پایان دوره ابوسعید تقسیم کار و وظایف در حوزه دیوان انشاء به وجود آمد. به نحوی که منشی‌الممالک کارهای مربوط به مکاتبات فارسی و عربی را انجام می‌داد و مکاتبات ترکی و مغول در دست افرادی به نام «کاتب مغولی‌نویس» و تصدی فردی به نام «بخشی» (۴) قرار داشت (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۴۶-۴۸). ظاهراً مقامات مغولی منصوب در دیوان انشاء زیر نظر امرا و فرماندهان مغول کار می‌کردند. نمونه دیگر از دو قسمت شدن دیوان انشاء در اواخر دوره ایلخانی، تقسیم کار به صورت رسیدگی امور کشوری و اداری زیر نظر وزیر و امور نظامی و لشگری زیر نظر امیر الامرا و فرماندهان ترک بود (العمری، ۱۴۲۳: ۱۶/۳؛ قلقشندی، ۱۹۷۰: ۴/۴۲۷).

### زبان و ادبیات نگارش در دیوان انشاء

تا پیش از حمله مغول، زبان و خط مورد استفاده در مکاتبات اداری و دیوان انشاء، فارسی و عربی بود. از ویژگی‌های صاحب دیوان انشاء، تسلط او بر فنون ادبی فارسی و عربی بود (منشی، ۱۳۸۱: ۲۱۰). همراه با استقرار مغول‌ها و کارکنان اداری وابسته به مغولان و اویغورها، وضعیت دگرگونه شد. در این حوزه نیز همچون دیگر بخش‌های تشکیلات اداری، نوعی روال دوگانه شکل گرفت و علاوه بر خط و زبان ایغوری که مورد توجه قرار گرفت (رضوی، ۱۳۹۷: ۱۳)؛ با تثبیت فرمانروایی مغول‌ها و نیاز به تشکیلات اداری گسترده، توجه بیشتر به کارکردهای دیوان انشاء نیز نزد مغول‌ها ضرورت یافت. دیوان انشاء در دوره فرمانروایی منگوقاآن اهمیت زیادی یافت. رویه تساهل منگو با دیگر اقوام موجب شد تا حضور ایرانیان در تشکیلات اداری مغول‌ها در ماورالنهر و خراسان افزون شود. به اعتقاد بیانی، در این دوره به واسطه این حضور، فرمان‌ها و نامه‌ها به فارسی نگاشته می‌شد و این موضوع یکی از علل نشر زبان و فرهنگ فارسی در محدوده امپراطوری مغول بود (بیانی، ۱۳۸۶: ۷۸). همچنین نامه‌هایی که از قآن به دربارهای اروپایی و واتیکان به دست آمده، به خط و زبان فارسی نگاشته شده، حتی کلمات منقور بر مهر گیوک بر سر نامه‌ها نیز به فارسی است (بیانی، ۱۳۸۶: ۷۲). پس از فتح بغداد توسط هولاکو، او به خواجه نصیر الدین طوسی دستور داد که فتح نامه‌ای در این باب به خط عربی بنویسد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: ۱۲/۱۰۲۰). و صاف اشاره دارد که ارغون برای سامان دهی امور قوافل حج دستور داد تا «تاریخ مکتوبات نویسد تا مشکل حاجیان در حریم کعبه رفع گردد» (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۴۰). این نشانه‌ها بیانگر پایداری زبان فارسی و عربی در ادبیات اداری ایران است. غنای فرهنگی قلمرو مفتوحه، حضور گسترده منشیان و دبیران ایرانی در دیوان انشاء و مجموعه تشکیلات اداری و همچنین الزامات پیش روی مغول‌ها زمینه ساز این پایداری بود. با این حال در کنار این پایداری زبان فارسی و عربی، زبان مغولی یا وابستگان به مغول‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. در دوره مغول و ایلخانان در کنار مکاتبات به زبان فارسی و گاه عربی، برخی فرامین و مکتوبات «به خط اویغوری و زبان مغولی» یا عبارات «مغولی به خط فارسی» (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۸۳-۱۸۵، ۲۶۵) و یا به زبان

ترکی نوشته می‌شد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱/۴۷). ظاهراً بخش مکتوبات لشکری به زبان ترکی و مغولی بود، زیرا نخجوانی در این مورد می‌نویسد، آن بخش از مکتوبات دیوان انشاء که به زبان مغولی و ترکی بود توسط مقامی به نام کاتب احکام مغولی انجام می‌شد و صاحب این مقام از بین مغولان و ترکان انتخاب شده و زیر نظر امیرالامرا کار می‌کرد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱/۴۷).

در کنار زبان مغولی، شماری از اصطلاحات و واژه‌های مغولی و ترکی به متن مکتوبات و اسناد این دوره وارد شد (روستایی، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۵؛ ۴۴۷-۴۳۹؛ شریک امین، ۱۳۵۷)؛ تا جایی که با گذشت زمان لغات و اصطلاحات ترکی-مغولی به عنوان جزء جدایی ناپذیر از مجموعه واژگان دیوانی شد. عنوان «بیتکچی» (۵) به معنی کارگزار و دبیر، از نشانه‌های آشکار ورود کلمات مغولی - ختائی به تشکیلات اداری ایران است (بیانی، ۱۳۸۶: ۷۲). همراه با آن، ده‌ها واژه دیگر مانند: «یارلیق» (یرلیق)، «سیورغال»، «تیول»، «پروانچی»، «ایلچی»، «تمغا» و «آل تمغا»، «نشان» به ادبیات دیوانی ایران وارد شد (جویی، ۱۳۸۵: ۱/۵۴-۳۱؛ شریک امین، ۱۳۵۷؛ قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۷۹، ۱۰۴). برخی اصطلاحاتی که در دوره قبل از مغول در مکاتبات کاربرد داشت، در دوره مغولان از دیوان منسوخ شد و در مواردی، منشیان، آن را در نوشته‌های ادبی در مفهوم لغوی خود استفاده می‌کردند، از جمله می‌توان به واژه «منشور» اشاره کرد که به معنای فرمان‌های پادشاهان بود و در منابع این دوره تنها برای معنای لغوی آن به کار می‌رفت (وصاف، ۱۳۳۸: ۳/۳۴۳؛ قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۵۰). در حوزه نگارش و کتابت نیز این تاثیر خود را آشکار کرد. مغول‌ها برخلاف روال پیشین، از مغلّقی نویسی و تکلف در نوشتار خوشنود نبودند. در دوره سلجوقی و خوارزمشاهی یکی از روش‌های مرسوم در انشاء ذکر القاب، ادعیه و نثر متکلف بود که چنگیزخان با این نثر سنگین و پرتکلف مخالف بود. مطابق قانون‌نامه یاسای چنگیزی استفاده از فنون و پیچیدگی‌های زبان فارسی و عبارت پردازی‌های مغلّقی و ذکر القاب و ادعیه در مکاتبات ممنوع شد و به جای آن بسیاری از رویه‌های نگارش که مورد پسند مغولان بود وارد دیوان انشاء شد (وصاف، ۱۳۳۸: ۱۱۸-۱۱۶). نویسندگان کتاب تاریخ الفی نیز با تایید این موضوع می‌نویسند که یکی از منشیان خوارزمشاهی که به خدمت چنگیزخان پیوسته بود، براساس سنت مالوف به کار نگارش مشغول بود که توسط چنگیزخان مورد بازخواست قرار گرفت، زیرا خان

مغول سادگی و بی‌پیرایه بودن جملات را می‌پسندید (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۶/۳۷۴۳). جوینی - که خود وامدار دوره متکلف نویسی است - شیوه مکاتبات جدید را پسندیده می‌خواند و در دفاع از روش ساده‌نویسی مغول می‌نویسد: «از عادات گزیده آنست که چنانک شیوه مقلان و سنت صاحب دولتان باشد ابواب تکلف و تنوق القاب و شدت امتناع و احتجاب بسته گردانیده‌اند» (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۹/۱). به نوشته آملی در قرن هشتم ق، در این دوره در مکاتبات، مبالغه و استعارات و اضافات در نامه‌های دیوانی به کار نمی‌رفت و تنها کلام و مقصود اصلی بیان می‌شد؛ زیرا که ممکن بود مخاطب نامه به کارهای مهم حکومتی اشتغال داشته باشد و عبارات طولانی او را ملول کند، یا این که اصل مطلب نامه در لابلای استعارات و اضافات بی‌فایده گم شود (آملی، ۱۳۷۷: ۱/۲۷۹). این سبک نگارش در اقصی نقاط مملکت ایلخانی رایج بود و بیشتر احکام و فرامین و نامه‌ها در تشکیلات انشاء ساده و روان نوشته می‌شد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۱۲۰).

لمبتن معتقد است بیشتر تفاوت در طرز انشا و به کارگیری منشیان عهد ایلخانی با دوران قبل از آن یعنی سلجوقی و خوارزمشاهی، در استفاده زیاد امثال و آیات و اشعار عربی و فارسی در منشآت مترسلین عهد مغول است که نظیر آن در نوشته‌های قبل کمتر دیده می‌شود (لمبتن، ۱۳۷۲: ۱۰۸). با این حال همان گونه که اشاره خواهد شد بخش قابل توجهی از تفاوت - همان گونه که جوینی اشاره می‌کند - ناشی از حذف القاب و عناوین در مکاتبات است (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۹/۱). در مجموع تأثیر عملکرد حضور مغول‌ها موجب توجه به ساده‌نویسی و کوتاه نویسی در مکتوبات شد. نمونه‌های این تأثیر را می‌توان در «سوانح الافکار» مجموعه مکاتبات رشیدالدین فضل‌الله‌همدانی و نیز فرامین دوره ایلخانان و جلایریان یافت؛ با این حال در مواردی، در مکتوبات نگاه دو گانه‌ای را شاهد هستیم. در کنار ساده‌نویسی پیش گفته، نمونه‌هایی از سبک مکتوبات پیش از ایلخانان و تمایل به تکلف دیده می‌شود؛ از اواسط دوره ایلخانی نثرهای منشیانه و متکلف به تدریج رواج بیشتری گرفت که هدف نویسندگان آن، نمایش هنر ادبی و نشان دادن تسلط خود با امثال و حکم و قرآن و احادیث بود. از این نمونه‌ها می‌توان به کتاب تاریخ و صاف اشاره کرد. از جمله مکتوباتی که تمایل به نثر مصنوع و متکلف در آن‌ها دیده می‌شود می‌توان به نمونه‌هایی در کتاب‌های «سوانح الافکار» (خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۱۶) و

«دستورالکاتب فی تعیین المراتب» نخبوانی اشاره کرد (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۵۵-۱۵۶). همچنین در همین ایام در آناتولی، ابوبکرزکی صدر قونیوی در دربار سلاجقه روم کتاب «روضه‌الکتاب و حدیقه‌الالباب» را تألیف کرد. این اثر که مجموعه‌ای از نامه‌های ابوبکر است گرچه به زبانی ساده و غالباً رها از تزئینات متکلفانه هستند؛ با این حال از حیث توجه به نثر مصنوع و متکلف بین دعوت نامه‌ها و تحیات تفاوت وجود دارد (صدر قونیوی، ۱۳۴۹؛ مهرابی‌شریف‌آباد و پورنامداریان، ۱۳۹۵: ۱۵۳-۱۳۱).

### تغییر در انواع، ترکیبات و اضافات اسناد

مکاتبات و نامه‌نگاری در دوره‌های پیش از حمله مغول عمدتاً به سه نوع سلطانیات، دیوانی‌ات و اخوانی‌ات بود؛ سلطانیات یا مکاتیب سلطانی، به منشاتی اطلاق می‌شد که سلاطین به یکدیگر یا به ملوک اطراف می‌نوشتند. گاهی سلطانیات با ادعیه فارسی آغاز شده و ارکان اخوانی‌ات در آن به کار می‌رفت و حالت دو ستانه بیشتری داشت؛ اما منشاتی که با عناوین و ادعیه عربی آغاز می‌شد، چون رسمی و دیوانی بود ارکان اخوانی‌ات در آن نبوده و صورت رسمی داشت (آملی، ۱۳۷۷: ۱/۲۹۳). دیوانی‌ات نوشته‌هایی بودند که در باره امور دولتی در دیوان‌ها تهیه می‌شدند (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۴۳). اخوانی‌ات هم شامل نامه‌های دوستانه بود که طبقات مختلف مردم به هم می‌نوشتند. در این نوع، نویسنده در استفاده از لغات پیچیده، ترکیبات و آرایش کلام دست بازتری داشت و رکن شرح اشتیاق در آن به وفور یافت می‌شد (آملی، ۱۳۷۷: ۱/۲۹۴). نخبوانی انواع مکاتبات در این دوره را چنین بیان می‌کند: ۱. مکاتباتی که سلاطین با هم داشتند. ۲. مکاتبات امرای الوس و وزرا و خواتین و اولاد آن‌ها و نقیب‌النقبا، سادات، مشایخ مریدان، قاضی‌القضات و دیگر قضات و اتباع آنان و نواب دیوان سلطنت، دیوان وزارت و امرا و ایناقان. ۳. مکاتبات اشرف الناس و علما و حکما و مدرسان و مفتیان و مفسران و محدثان، فقها و صلحا و اطبا. ۴. مکاتبات بین سلاطین، امرا، وزرا و خواتین و نیز خدم و ارکان دولت، ملوک ولایات، سادات، مشایخ، قضات و عرض داشت رعایا به سلاطین (نخبوانی، ۱۹۷۶: ۱/۲۸-۳۰-۳۴-۴۱). گذشته از استمرار برخی از انواع اسناد و مکاتبات با همان کاربرد در این دوره همچون: «مثال»، «حکم» و فرمان (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۴۶، ۵۳، ۶۶؛ وصاف، ۱۳۳۸: ۴۰۷ و ۵۴۰؛

جوینی، ۱۳۸۵: ۱/ ۶۱) و یا منسوخ شدن کاربرد برخی از انواع اسناد همچون عهد، مواضعه و ملطفه (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۵۶، ۹۵، ۱۰۰؛ رو ستایی، ۱۳۹۵: ۵۴۱) در دوره مغول و ایلخانان برخی انواع اسناد به مجموعه مکاتبات اداری ایران وارد شد. از جمله: - یرلیغ: که واژه‌ای ترکی- مغولی، از اصطلاحات خاص دوره ایلخانی است که به فرمان مکتوب خان اطلاق می‌شد (جوینی، ۱۳۸۵: ۱/ ۷۵؛ قاسانی، نسخه مجلس ۲۱۵۴: ۱۶۸؛ و صاف، ۱۳۳۸: ۵۴۰). این اصطلاح از دوره مغول به مجموعه اصطلاحات دیوان انشاء وارد شد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: تعلیقات ۳/ ۳۴۲۴؛ قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۶۳-۶۵).

- نشان: در دوره ایلخانان به نوشتن فرمان‌ها نشان و به نسخه‌برداری از روی آن حکم و دستور، نشان کردن می‌گفتند (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۷۹).

- سند ترخانی: ترخان یا طرخان واژه‌ای ترکی و لقب بلند پایه‌ترین فرمانروای هسیونگ نو بود. ظاهراً به متون اویغوری و به شکل ترقان راه یافته و از این طریق به زبان مغولی وارد شده است. در زبان مغولی به معنی کسی که از پرداخت مالیات معاف بوده، اطلاق می‌شد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: تعلیقات ۳/ ۳۳۳۶). در دوره ایلخانان به سندهایی که مربوط به مستمریات و حقوقی بود و شامل معافیت می‌شدند اطلاق می‌گردید. ترخانان مغولی که همان شاهزادگان و بزرگان بودند، از مزایای این اسناد معاف از مالیات برخوردار می‌شدند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۰؛ قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۳۱). همچنین برخی انواع اسناد نیز که گرچه عنوان مغولی و ترکی نداشتند ولی ظاهراً از ابداعات دوره ایلخانی هستند. از جمله:

- صریح/الملک: که در دوره ایلخانی در دیوان انشاء متداول شده است (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۲۷). صریح الملک به قباله و صکوک املاک مربوط می‌شد. همچنین سندی بود که برخلاف قباله تنها شامل کمیت یک ملک مخصوص نمی‌شد، بلکه اگر کسی صاحب املاک زیادی بود، کیفیات املاک او در صریح الملکی املاک مزبور ثبت و ضبط می‌شد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۲۴۱؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۲۷-۲۲۶؛ قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۳۰).

- حجت و حجت نویس: نوعی از فرمان در دوره ایلخانان بود که شرح و تاییدی از طرف خان بر پشت اسناد عرضی و شرعی نوشته و سپس اجازه اجرای آن صادر می شد. نویسنده حجت را حجت‌نویس می‌گفتند (قاسانی، نسخه مجلس ۲۱۵۴: ۱۸۸؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۲۵-۲۲۴).

- مثنی‌نامه: عبارت بود از نوشته دوم که بر امضای برات یا نمونه ای دوباره از آن می‌نوشتند. هنگامی که عامل یا محصل مالیاتی ادعا می‌کرد که برات اولی او باطل شده یا در آن دست برده شده است، مثنی‌نامه صادر می‌شد (آملی، ۱۳۷۷: ۳۱۲/۱). در این دوره در ترکیبات متن و اضافات اسناد نیز برخی تغییرات صورت گرفت. در ترکیبات متن و اضافات اسناد و مکتوبات غالباً تمایل به سادگی بود. در ترکیبات متن، مهم‌ترین تغییر مربوط به کوتاه شدن متن اسناد است. گذشته از کاهش آرایه‌ها و ساده‌نویسی که تاثیر زیادی در اختصار متن داشت، حذف القاب و عناوین بود (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۵۶). به نوشته جویی: «هرکس که بر تخت خانی نشیند یک اسم در افزایش خان یا قآن و بس زیادت از آن ننویسند و دیگر پسران و برادران او را بهمان اسم موسوم به هنگام ولادت خوانند مشافهه و مغایبه خاص و عام و منا شیر مکتوبات که نویسنده همان اسم مجرد نویسنده میان سلطان با عامی فرق نهند» (جویی، ۱۳۸۵: ۱۹/۱). در یرلیغ‌ها نیز مقدمه‌ها کوتاه بود. گرچه به تدریج گرایش بر زیاده‌نویسی افزون شد. نمونه‌هایی از آن در کتاب دستورالکاتب قابل مشاهده است.

در اضافات اسناد و مکتوبات نیز برخی تغییرات وجود دارد. بخشی از این اضافات مرتبط با مهرها و علامت‌هایی بود که بر اسناد درج می‌شد. قاسانی در کتاب «المرشد فی الحساب» این نشانه‌ها را تحت عنوان «العلامه والعلامات» معرفی می‌کند که «نشان اصحاب دیوان» بود (قاسانی، نسخه مجلس ۲۱۵۴: ۱۷۰). این اصطلاح شامل عبارات یا شکل‌هایی بود که اصحاب دیوان - عمدتاً پادشاهان و وزرا - بر اسناد درج می‌کردند که در دوره مغول نشان‌هایی مثل آلتون تمغا (برای ایلخانان) و آل تمغا (برای وزیران) جزو همین علامات بود (ایرانی و آق قلعه، ۱۳۹۵: ۶۵). در متون دوره ایلخانی به کرات کاربرد اصطلاحات آل تمغا، آلتون تمغا و تمغا وجود دارد. (شریک امین، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۲، ۲۸-۳۰) یکی از معانی اصطلاحی ترکی آل، مهر بود و تمغا نیز اصطلاحی ترکی بود که ترکان پس از آشنایی با فرهنگ چینی، از کاربرد مهر آگاه شدند و عنوان تمغا را بر مهر نهادند. تمغا با همین معنی



به زبان مغولی راه یافت (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: تعلیقات ۳/۲۳۴۱، ۲۲۹۳؛ شریک امین، ۱۳۷۵: ۹). در دوره ایلخانان بر اساس کاربرد و اهمیت، مهرهای جداگانه و با رنگ‌های متفاوت داشتند (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۲۳۰-۲۳۲؛ بهار، ۱۳۵۵: ۳/۹۹). کثرت کاربرد مهر و تنوع مهرها از مشخصه‌های اسناد دوره ایلخانی است. به نوشته جوینی: متن فرمان‌ها و نامه‌ها که توسط خان صادر می‌شد و حالت رسمی داشت را چند بار مهر می‌کردند و این نشان از اهمیت زیاد این فرامین داشت (جوینی، ۱۳۸۵: ۱/۳۱ و ۲۱۱). در کتاب سوانح الافکار نمونه‌ای از نشان آل تمغا که در پایان متن یک پروانچه صادر شده که مضمون آن به این شرح است: «همگنان برین جمله بروند و چون به علامت آل تمغا ما مو شح گردد، اعتماد نمایند» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۸). قائم مقامی، آل تمغا را به عنوان یکی از انواع اسناد دیوانی خوانده است (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۰۳).

از جمله مشخصه‌های دوره فرمانروایی غازان خان از حیث مهرها، اسلامی شدن شکل و نوشتار روی مهرها و نشان‌های سلطنتی بود که از این زمان به بعد بر روی مهر عبارت «لا اله الا الله» نقش می‌شد. و صاف معتقد است که غازان گرایش‌های زیادی به شیوه‌های دیوانی مرسوم داشت (وصاف، ۱۳۳۸: ۳/۳۲۵).

از دیگر اضافات اسناد، طغرا بود. طغرا نشان مخصوص پادشاهان بود و طغرا کشیدن یکی از امور مهم در دوره سلجوقی و خوارزم‌شاهی بود. ظاهراً کاربرد عنوان طغرا در دوره ایلخانی منسوخ شده است (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۸۳؛ روستایی، ۱۳۹۵: ۵۳۹). در منابع اولیه دوره ایلخانان نامی از طغرا نمی‌یابیم ولی از اواسط دوره ایلخانی نمونه‌هایی از کاربرد طغرا را در دست داریم. در چند نامه از ارغون خان، الجایتو و ابوسعید، طغراهایی به خط اویغوری و زبان مغولی موجود است (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۸۳). همچنین ظاهراً برای اولین بار در کتاب تاریخ اولجایتو با عنوان طغرا بر می‌خوریم (القاشانی، ۱۳۴۸: ۲۵). این روند ظاهراً نشان دهنده احیای تدریجی طغرا در دیوان انشاء ایلخانان است. در سال‌هایی که در متون نامی از طغرا نمی‌بینیم با کثرت کاربرد توقیع به عنوان نشان و علامت مخصوص روبرو هستیم (آملی، ۱۳۷۷: ۱/۲۸۳؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۱۱۳). بخشی از تغییرات در اضافات اسناد در بخش تحمیدیه بود. بعد از اسلام آوردن ایلخانان در دوره غازان بر خلاف روال دوره ایلخانان

نامسلمان، در تحمیدیه و رأس فرامین و نوشته‌های خود نام خدا (به مغولی تنگری) را می‌آوردند (سودآور، ۱۳۹۰: ۱۲۰). امیر نوروز هم در تشکیلات اداری که در خراسان به وجود آورد، تغییراتی در شیوه تنظیم مکتوبات ایجاد کرد. او دستور داد بر بالای مکتوبات «اثبت فی دیوان الوزاره» نوشته شود (جوبنی، ۱۳۸۵: ۲۳۷/۱). ثبت نوشته به زبان عربی بر سر نامه‌ها و فرامین مغولی در خراسان نشان از روند گرایش بر احیای آداب نگارش پیشین در تشکیلات دیوان انشاء بود. مغولان اگر چه نتوانستند بی‌نیاز از دبیران و منشیان ایرانی شوند، ولی برخی دستاوردهای پیشینی آنان و تلاشی که برای انجام امور دیوانی به کمک غیرایرانیان انجام دادند موجب سستی در تداوم عملکرد و استمرار دیوان انشاء به رویه پیشین شد. این رویه در شکل‌گیری یک نظام دوگانه در حوزه فعالیت‌های دیوان انشاء شد؛ نظامی که در دیگر بخش‌های تشکیلات اداری، شاهد آن هستیم (فرخی، ۱۳۹۶: ۲۱۳).

### تغییرات در فرایند و رویه‌ها در دیوان انشاء

تداوم سنت‌های اداری و رویه‌های تشکیلات دیوان انشاء همچون دیگر بخش‌های اداری، متکی بر وجود عنصر استمرار در تشکیلات اداری ایران است. وظیفه اصلی این استمرار بر دوش کارکنان اداری ایرانی بود. متون آموزشی موجود در این دوره در حوزه کتابت، نشان از تکاپوی دبیران ایرانی در حفظ و استمرار آداب و سنت‌های اداری در حوزه کتابت و انشاء است؛ وظیفه‌ای که پیش از این نیز، دبیران ایرانی در انجام آن پای می‌فشردند. آنان بخشی از این وظیفه خود را در قالب تدوین منشآت یا مجموعه رسائل آموزشی انجام داده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به محمدبن علی ناموس‌خواری - از منشیان اواخر قرن هفتم و اوایل هشتم ق - اشاره کرد که کتاب «تحفه جلالیه» را نوشت. موضوع این کتاب، آموزش آداب، شیوه‌های کتابت، نحوه نگارش مکتوبات و وظایف کاتبان (رودگر، ۱۳۸۶: ۱۳-۲۱)، برای دبیران جوانی بود که مقرر بود در زنجیر انتقال میراث اداری در دوره جدید نقش آفرین باشند. کتاب وی دست‌مایه اصلی محمدبن هندوشاه‌نخجوانی در نگارش کتاب آموزشی «دستورالکاتب فی تعیین المراتب» بود. شمس‌الدین محمدبن محمودآملی از علمای شیعی قرن هشتم (متوفی ۷۵۳ ق) نیز در بخشی از دائرالمعارف سترگ خود با «عنوان نفایس الفنون فی عرایس العیون» به آداب کتابت و وظایف منشیان پرداخته است (آملی، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۷-۲۵). «مصباح‌الرسائل و

مفتاح الفضائل» از موفق بن محمد مجدی اثر دیگری در آموزش دبیری است که احتمالاً در سالهای نزدیک به حمله مغول نوشته شده و در دوره ایلخانان بازنویسی شده است (مجدی، کتابخانه مجلس؛ اختران فر، ۱۳۹۲: ۲۰). خواجه نصیرالدین طوسی نیز بر یادگیری فن کتابت و اصول آن تأکید دارد و در این باره چند توصیه به کاتبان داشته است (طوسی، ۱۳۶۹: ۲۲۸). این آموزشها با هدف حفظ رویهها و فرایندها در انجام مکاتبات صورت می گرفت. در دوره ایلخانان با همت دبیران ایرانی این فرایندها حفظ شد و حسب تغییرات سیاسی و برخی الزامات متأثر از آن، تغییراتی در این رویهها حادث شد. متون تاریخی و نیز متون آموزشی پیش گفته، برخی از این رویهها را اشاره کرده اند که تفکیک این رویهها از رویههای پیشینی و یا رویههایی که دچار تغییر شده اند، مشکل است. حسن بن علی قاسانی در کتاب المرشد فی الحساب در دهه آخر قرن هفتم و نیز نخجوانی برخی از رویهها را که عمدتاً مرتبط با مکتوبات و دفترداری امور مالی بوده را برای ما به یادگار نهاده است (قاسانی، کتابخانه مجلس ۱۷۲: ۲۱۵۴-۱۷۳؛ نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۳۲ / ۲؛ ۲۳۷-۲۳۸).

از تغییراتی که در رویهها به وجود آمد، در ترکیبات اسناد بود. یکی از سنتهای مغولان نوشتن نامه به نام «خان» بود که وزرا و امرا نام خود را پشت آن می نگاشتند. این سنت در زمان ایلخانان ضعیف همچون، گیخاتو تغییر کرد و وزیر قدرتمندی همچون صدر جهان موفق شد به جای سنت ظهرنویسی که پشت برگه نام وزرا و امرا را می نوشتند، نام خود و سه تن از امرای بزرگ را به شکل طغرا زیر نام خان بنویسد. این سنت در زمان غازان منسوخ شد و به روال قبل بازگشت (سودآور، ۱۳۹۰: ۱۲۲). یکی دیگر از اصلاحات غازان در زمینه اعتبار بخشیدن به مناصب دیوان انشاء، دستوری بود که وی برای ثبت تمامی اسناد و قبالههای مربوط به خرید و فروش صادر کرد. او حکم کرد که اسناد خرید و فروش در دفتری به نام روزنامهچه ثبت شود تا کسی نتواند در آینده ادعای دروغ داشته باشد (وصاف، ۱۳۳۸: ۳ / ۳۹۰). روزنامهچه خود یکی از دفاتر دیوان انشاء محسوب می شد که افرادی مشخص متصدی ثبت اسناد خرید و فروش و قبالههای رسمی بودند (قاسانی، مجلس ۱۷۳: ۲۱۵۴).

### نتیجه

مغولان و به تبع آن‌ها ایلخانان، بعد از استقرار در ایران سعی کردند بدون نیاز به دیوان انشاء ایرانیان و با استفاده از سنت‌های قدیمی به ارث رسیده از چنگیزخان و یا مقتبس از فرهنگ اداری اویغوری و ختایی، مکاتبات اداری و رسمی خویش را انجام دهند، اما با گسترش دامنه مکاتبات و نیاز بیش از پیش به دیوانسالاران نخبه در این دیوان، برای ساماندهی و نظارت بر اسناد و مکتوبات این دوره، شیوه‌های مغولان به تنهایی دیگر کافی نبود. بازگشت به کار عناصر فروتر اداری اولین اقدامی بود که حاکمان مغولی به آن دست یازیدند. ایرانیان با الهام گرفتن از ساختار دیوان انشاء در دوره پیش از مغول و با در نظر داشتن منویات و علائق مغولان و ایلخانان، تلاش داشتند دیوان انشاء را به روال گذشته بازآفرینی کنند. با این حال این نگاه دوسویه موجب شکل‌گیری یک نظام دوگانه در تشکیلات دیوان انشاء شد که حداقل تا پایان دوره ایلخانی این دوگانگی پا برجا بود. در کنار این نظام دوگانه، تغییراتی در حوزه دیوان انشاء صورت گرفت. این تغییرات را در چهار دسته می‌توان شنا سایی کرد. جایگاه دیوان انشاء، مناصب شغلی آن دچار برخی تغییرات شد. کاربرد زبان و خط غیر از زبان و خط فارسی و عربی در دیوان رایج شد، گرچه خط و زبان جدید نتوانستند تغییری بنیادی ایجاد کنند؛ با این حال رویه‌های نگارش با علائق مغول‌ها در ساده‌نویسی سازگار شد. بر همین روال، محتوای اسناد در حوزه‌های متن در زمینه ساده‌نویسی و در حوزه‌های اضافات اسناد از جمله در کاربرد افزون‌تر مهرها، دچار برخی تغییرات شد. اطلاعات ما در حوزه رویه‌ها - به عنوان بخش چهارم این تغییرات - اندک است. وظیفه میراث‌داری منشیان و دیوانیان در انتقال رویه‌های پیشینی به دوره جدید و تلاش در حفظ آن‌ها موجب شده که یا این تغییرات اندک باشد و یا اطلاعات ما از این تغییرات برای آیندگان در دسترس قرار نگیرد. در تمام این تغییرات آنچه که حائز توجه است تلاش ایرانیان در احیای میراث گذشته و ارتقای آن و نیز در کنار آن برقراری تعادل میان علائق فاتحان با میراث اداری ایرانیان است.

## پی‌نوشت

۱. در خصوص دیوان عرض و کارکردهای آن در آستانه حمله مغول و نیز تشکیلات اداری در دوره مغول و ایلخانان چند پژوهش صورت گرفته است: «بررسی روند شکل‌گیری تشکیلات اداری مغول‌ها در ایران با تأکید بر دوره چیتمور» (فرخی و خسروبیگی، ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۴۶) و نیز: «شناسایی و بررسی تشکیلات نظامی جایگزین دیوان عرض در دوره ایلخانان» (یارمحمدی و خسروبیگی، ۱۳۹۶: ۶۴-۶۰).
۲. طغرای کلمه‌ای ترکی است و غرض از آن خطی قوسی بود که بین اهل دیوان بر صدر فرمان‌ها و منشورها کشیده می‌شد (انوری، ۱۳۵۵: ۱۶۱).
- ۳- واژه الغ بیتکچی ترکیب از دو واژه الغ یعنی بیگ به معنای بزرگ، ارشد و پیرترین عضو خاندان است و واژه بیتکچی با ریشه چینی، پای تک شین به معنای منشی و نویسنده است و در زبان ترکی و مغولی وارد شده است (دورفر، ۱۹۷۵: ۱۱۷ و ۲۶۷).
- ۴- منشیان در پیش از دوره غازان خان و مسلمان شدن مغول‌ها به عنوان روحانیون بودایی دارای قدرت زیادی بودند که با مسلمان شدن غازان، اعتبار و اهمیت خود را از دست دادند و به عنوان بخشی از نیروهای سیستم حکومتی به عنوان مربی و یا منشی کار می‌کردند (رشیدالدین، ۱۳۷۳: ۲/ ۱۳۵۷).
- ۵- در مورد بیتکچی نگاه کنید به: خسروبیگی، هوشنگ و یزدان فرخی (زمستان ۱۳۹۱)، پژوهشی در باره سیف‌الدین بیتکچی دیوانسالار مسلمان دوره هلاکو، پژوهش نامه تاریخ اسلام، ش ۸، صص ۸۱-۶۱.

## فهرست منابع و مطالعات

- قرآن کریم، (۱۳۸۴)، سوره قلم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات پیام.
- آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود، (ج اول ۱۳۷۷ - ج دوم ۱۳۷۹)، *نقایس الفنون فی عرایس العیون*، تصحیح سید ابراهیم میانجی، تهران: انتشارات اسلامی.
- آشتیانی، عباس اقبال، (۱۳۳۸)، *وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و یحیی ذکا، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن فوطی، کمال‌الدین ابی الفضل عبدالرزاق، (۱۳۷۴)، *مجمع الادب فی معجم الالقاب*، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اختران فر، فاطمه، (۱۳۹۲)، *مضامین و مزایای مصباح الرسایل و مفتاح الفضایل*، تشریح سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۶، ش ۳، صص ۱۹-۳۵.
- القاشانی، ابوالقاسم عبد الله بن محمد، (۱۳۸۴)، *تاریخ اولجایتو*، تصحیح مهین همبلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- القلقشندی، ابی‌العباس احمد بن علی، (۱۹۷۰ م)، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، ج ۱ و ۴، قاهره: مطبعة الامیریة.
- العمری، ابن فضل الله، (۱۴۲۳ ق)، *مسالك الابصار فی ممالک الامصار*، ج ۳، ابوظبی: المجمع الشافی.
- بابایی سیاب، علی و جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۷)، «عوامل موثر بر جایگاه تاریخ نگاری در ادبیات اسماعیلیان از آغاز تا پایان قرن هفتم هجری»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام دانشگاه سیستان و بلوچستان*، شماره ۲۳، صص ۱۹۹-۲۱۶.
- بهاء‌الدین بغدادی، محمد بن مؤید، (۱۳۸۵)، *التوسل الی الترسل*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: اساطیر.
- بهار، محمد تقی، (۱۳۵۵)، *سبک شناسی*، تهران: امیر کبیر.
- بیانی، شیرین، (۱۳۸۶)، *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- بنداری اصفهانی، فتح بن علی، (۱۳۵۶)، *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تاریخ شاهی قراختاییان*، (۱۳۵۵)، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تتوی، قاضی احمد، آصف خان قزوینی، (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تقی، وحید، (۱۳۹۲)، «سبک شناسی متون تاریخی دوره ایلخانی (با تأکید بر تاریخ جهانگشا، جامع التواریخ و تاریخ وصاف)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما سعید بزرگ بیگدلی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

خسروبیگی، هوشنگ، (۱۳۸۸)، «اهمیت تاریخی آثار رشید الدین وطواط»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۴، صص ۳۰-۷.

-----، (۱۳۸۸)، سازمان اداری خوارزمشاهیان، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

خسروبیگی، هوشنگ و یزدان فرخی (زمستان ۱۳۹۱)، پژوهشی در باره سیف الدین بیتکچی دیوانسالار مسلمان دوره هلاکو، پژوهش نامه تاریخ اسلام، ش ۸، صص ۸۱-۶۱.

خوارزمی، ابوعبدالله محمد بن کاتب، (۱۳۶۲)، مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی. خیراندیش، عبدالرسول و غلامی خسروآبادی، مریم و وحیدی، میکائیل، (۱۳۹۱)، «اثرات هجوم مغول در سیر جغرافیا نویسی»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۱۱، صص ۷۵-۹۰.

جوینی، عطاءملک، (۱۳۸۵)، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.

جوینی، منتجب الدین بدیع، (۱۳۳۹)، عتبه الکتبه، به تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی، (۱۳۵۸)، تاریخ مبارک غازانی، تصحیح کارلیان، هرتفرد: استفن اوستین.

-----، (۱۳۷۳)، جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: البرز.

-----، (۱۳۵۸)، سوانح الافکار رشیدی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.

رضوی، ابوالفضل، (۱۳۹۷)، «جایگاه امارت‌های مغولی در نهادینگی ساختار حکومتی ایلخانان»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۲۲، صص ۲۵-۴۲.

روستایی، محسن، (۱۳۹۵)، ادبیات تاریخی و دیوانسالاری ایران «عهد مغول تا سرآغاز دولت صفویه» با تکیه بر متون نثر فارسی و اسناد مکتوب تاریخی و محوریت بررسی لغات و اصطلاحات دیوانی - اجتماعی و سند شناسی، تهران: ندای تاریخ.

رودگر، قنبر علی، (۱۳۸۶)، «آلات کتابت و بیان آداب و عادات دبیری، برگرفته از نسخه جلالیه»، نوشته محمد بن علی ناموس خواری، نامه‌ی بهارستان، سال هشتم و نهم، دفتر ۱۳ و ۱۴، صص ۱۳-۲۲.

سودآور، ابوالعلا، (۱۳۹۰)، «میراث مغول در فرامین ایران زمین»، نامه‌ی بهارستان، سال ۱۲، دفتر ۱۸-۱۹، صص ۱۱۵-۱۲۶.

صدر قونیوی، ابوبکر بن زکی، (۱۹۷۲ م)، روضه الکتاب و حدیقه الالباب، انقره: انجمن تاریخ ترک.

طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۶۹)، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات خوارزمی.

فرخی، یزدان، (۱۳۹۶)، بررسی سیر تحولات دیوانسالاری مغول‌ها در ایران، تهران: امیرکبیر.

- ، هوشنگ خسروبیگی، (۱۳۸۹)، «بررسی دلایل ناکارآمدی دیوان عرض خوارزمشاهیان در رویارویی با مغولان»، *تاریخ ایران*، ۱۳۹۰، شماره ۶۷/۵، صص ۱۲۶-۱۱۱.
- قاسانی، (بی‌تا)، *المرشد فی الحساب، نسخه خطی مجلس*، شماره ۲۱۵۴.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۵)، *المرشد فی الحساب کهن‌ترین فرهنگ نامه فارسی دانش استیفا، تصحیح نفیسه ایرانی و علی صفری آق قلعه، تهران: میراث مکتوب*.
- قائم مقامی، جهانگیر، (۱۳۵۰)، *مقدم‌هایی بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: انجمن آثار ملی*.
- لین، جورج، (۱۳۸۹)، *ایران در اوایل عهد ایلخان، ترجمه ابوالفضل رضوی، تهران: امیر کبیر*.
- لمبتن، آن، (۱۳۷۲)، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی*.
- کریستین سن، آرتور، (۱۳۷۹)، *ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب*.
- مجدی، موفق‌بن محمد، *نسخه خطی مصباح الرسایل و مفتاح الفضایل، تحریر ۷۴۲، شماره ۳۲۸، کتابخانه مجلس شورای اسلامی IR: ۱۱۰۳۱-۱۰، شماره بازیابی: ۳۲۸ س.*
- منشی، نورالدین، (۱۳۸۱)، *وسایل الرسایل و دلایل الفضایل، تصحیح رضا سمیع‌زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی*.
- منشی کرمانی، ناصرالدین، (۱۳۶۲)، *نسائم الاسحار من لطائم الاخبار، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی، تهران: انتشارات اطلاعات*.
- نسوی، شهاب‌الدین محمد، (۱۳۲۴)، *سیره جلال‌الدین یا تاریخ جلالی، تصحیح محمد ناصح، تهران: انجمن ادبی ایران*.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه، (۱۹۷۶ م)، *دستور الکاتب فی تعیین المراتب، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، مسکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان*.
- وصاف، عبدالله بن فضل الله، (۱۳۳۸)، *تجزیه الامصار و ترجیه الاعصار، تهران: ابن سینا*.
- وطواط، رشیدالدین، (۱۳۳۸)، *نامه‌های رشیدالدین وطواط، تصحیح قاسم تویسرکانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران*.
- واتابه، ریوکو، (۱۳۷۹)، «پژوهشی در ساختار مجموعه‌های منشآت دبیری و تحول آیین‌های نگارش در دوره‌ی مغول»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، صص ۴۱-۲۸.
- ویلبر، دونالد، (۱۳۶۵)، *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فربار، تهران: علمی و فرهنگی*.
- یارمحمدی، نکتتم، خسروبیگی، هوشنگ، (۱۳۹۶)، «شناسایی و بررسی تشکیلات نظامی جایگزین دیوان عرض در دوره ایلخانان»، *مجله تاریخ ایران*، شماره ۲۲، صص ۶۸-۴۷.



Atwood, Christopher (۲۰۰۴). P, Encyclopedia of Mongolia and the Mongol Empire, New York: Facts On File, Inc  
 Doerfer, Gerhard (۵۵۵۵), Turkische und Mongolische Element Im Neupersischen, Wiesbaden: Franz steiner Verlag. Band II.

### References

- The Holy Quran, (۵۵۵۵), Surah Qalam, Tarjome Mehdi Elahi Ghomshei, Tehran: Entesharate Payam.
- Amoli, Shams-ud-Din Mohammad Ibn Mahmoud, (Vol. I, ۱۹۹۸- Vol. ۲, ۲۰۰۰) Nafais Al-Fonun Fi Arais Al-Oyun, Tashihe Seyed Ebrahim Mianji, Tehran: Entesharate Islamic.
- Ashtiani, Abbas Iqbal, (۱۱۱۱), Ministry in the reign of the great Seljuk sultans, by Mohammad Taghi Daneshpajoo and Yahya Zaka, Tehran: Daneshgah Tehran.
- Ibn Futi, Kamal al-Din Abi al-Fazl Abdul Razzaq, (۲۰۰۰), Complex of etiquette in the dictionary of titles, Tahghighe Mohammad Al-Kazem, Tehran: Vezarate Farhang And Ershade Eslami.
- Akhtaranfar, Fatemeh, (۲۰۱۳), Themes and benefits of the lamp of the messengers and the key of the virtues, Nashreyeye Sabk shenasi Nazm Va Nasre Farsi (Bahar Adab), Volume ۶, Number ۳, pp. ۹۹-۵۵.
- Al-Qashani, Abolghasem Abdullah Ibn Mohammad, (۵۵۵۵), History of Oljaito, Tashihe Mahin Hembli, Tehran: Entesharae Elmi And Farhangi.
- Al-Qalaqshandi, Abi Al-Abbas Ahmad Ibn Ali, (۲۰۰۰), Good morning in the industry of composition, vols. ۱ and ۲, Ghahere: Matbaat AL amiriye.
- Al-Omari, Ibn Fazlullah, (۲۰۰۸), Masalak al-Absar in the countries of al-Amsar, vol. ۳, Abu Dhabi: Al majma AL shafi.
- Babaei Siab, Ali and Jan Ahmadi, Fatemeh, (۲۰۰۰), " Factors affecting the position of historiography in Ismaili literature from the beginning to the end of the seventh century AH ", Majale Pajoheshhaye Tarikheye Iran Va Esam aneshgahe Sistan Va Baloochetan, No. ۳۳, pp. ۹۹۹-۲۱۶.
- Baha Aldin Baghdadi, Mohammad ibn Mu'ayyid, (۱۱۱۱), Al Tawassul ElarTarasol, Tashehe Ahmad Bahmanyar, Tehran: Asatir.
- Bahar, Mohammad Taghi, (۱۱۱۱), Stylistics, Tehran: Amir Kabir.

- Bayani, Shirin, (۷۷۷۷), The Mongols and the patriarchal rule in Iran, Tehran: SAMT.
- Bondari Esfahani, Fath Ibn Ali, (۷۷۷۷), History of the Seljuk dynasty, Tarjomee Mohammad Hossein Jalili, Tehran: Bonyade Farhange Iran.
- History of the Qarakhtaeen Empire, (۶۶۶۶), Tashehe Mohammad Ebahime Bastani Parize, Tehran: Bonyade Farhange Iran.
- Tatavi, Ghazi Ahmad, Asef Khan Qazvini, (۳۳۳۳), Alfi History, Tashehe Gholamreza Tabatabai Majd, Tehran: Entesharae Elmi And Farhangi.
- Saghafi, Vahid, (۳۳۳۳), "Stylistics of historical texts of the patriarchal period (with emphasis on the history of Jahangisha, comprehensive chronicles and history of Wasaf)", Master Thesis, Supervisor Saeed Bozorg Bigdeli, Tehran: Daneshgah Tarbiat Modares.
- Khosrobigi, Houshang, (۹۹۹۹), "Historical Significance of Rashid al-Din Watawat", Journal of Historical Research of Iran and Islam, Sistan and Baluchestan University, Vol. ۴, pp. ۷-۱۰.
- , (۹۹۹۹), Khwarezmshahian Administrative Organization, Tehran: Farhangestane Zaban And Adabe Farsi.
- Khosro Beigi, Houshang and Yazdan Farokhi (۲۲۲۲), A Study on Seifuddin Bitekchi, a Muslim Bureaucrat of the Holako Period, Pajoheshname Tarikhe Eslam, Vol. ۸, pp. ۱۱-۱۱.
- Kharazmi, Abu Abdullah Mohammad bin Katib, (۲۲۲۲), Mafatih al-Ulum, translated by Hossein Khadio Jam, Tehran: elmi And Farhangi..
- Kheirandish, Abdolrasoul and Gholami Khosrowabadi, Maryam and Vahidi, Mikael, (۲۲۲۲), "The effects of the Mongol invasion in the course of geography", Historical Research of Iran and Islam, Sistan and Baluchestan University, Vol. ۱), pp. ۵۵-۱۰.
- Jovini, Atta Malek, (۶۶۶۶), History of Jovini Jahangshahi, edited by Mohammad Qazvini, Tehran: Dnyaye Ketab.
- Jovini, Muntajbuddin Badie, (۰۰۰۰), Utbah al-Kitabah, edited by Mohammad Qazvini and Abbas Iqbal, Tehran.
- Rashid al-Din Fazlullah Hamedani, (۹۹۹۹), History of Mubarak Ghazani, edited by Carl Yan, Hertfred: Stephen Austin.
- , (۹۹۹۹), Comprehensive Chronicles, edited by Mohammad Roshan and Mostafa Mousavi, Tehran: Alborz.
- , (۹۹۹۹), The Tragedies of Rashidi's Thoughts, by Mohammad Taghi Daneshpajoo, Tehran: Ketabkhane Markazi And Markaze Asnad.

- Razavi, Abolfazl, (۵۵۵۵), "The position of the Mongol emirates in the institutionalization of the Ilkhanate government structure", Journal of Historical Research of Iran and Islam, Sistan and Baluchestan University, Vol. ۲۲, pp. ... -۲۲.
- Roustaei, Mohsen, (۶۶۶۶), Historical Literature and Bureaucracy of Iran "The Mongol Era to the Beginning of the Safavid State" based on Persian prose texts and written historical documents and the focus of the study of idiomatic and idiomatic terms and terms, Tehran: Nedaye Tarikh.
- Rudgar, Ghanbar Ali, (۲۰۰۷), "Writing tools and expression of writing etiquette and habits, taken from Jalalieh version", written by Mohammad Ibn Ali Namous Khawari, Nameye Baharestan, eight and ninth year, books ۳۳ and ۴۴, pp. 00-۲۲.
- Soodavar, Abol-Ala, (۲۰۱۱), "Mongol heritage in the orders of Iran", Nameye Baharestan, year ۲۲, book ۹۹-۹۹, pp. ۵۵۵-۶۶۶.
- Sadr al-Qoniwi, Abu Bakr ibn Zaki, (۲۲۲۲), Rawdah al-Kitab wa Hadiqah al-Albab, Ankara: Anjomane Tarikhe Tork.
- Tusi, Khajeh Nasir al-Din, (۹۹۱۱), Nasiri ethics, Tehran: Entesharate Kharazmi.
- Farokhi, Yazdan, (۷۷۷۷), A Study of the Developments of the Mongol Bureaucracy in Iran, Tehran: Amirkabir.
- , Houshang Khosro Beigi, (۰۰۰۰), "Study of the reasons for the inefficiency of the Khwarezmshahian Court in dealing with the Mongols", History of Iran, ۱۱۱۱, No. ۵/۷۷, pp. ... -۱۱۱۰
- Qasani, (Bita), Al-Murshid Fi Al-Hesab, Manuscript of Majlis, No. ۴۴۴۴.
- , (۶۶۶۶), Al-Murshid Fi Al-Hesab, the oldest Persian dictionary of Danesh Istifa, edited by Nafiseh Irani and Ali Safari Aq Qaleh, Tehran: Mirace Maktoob.
- Ghaem Maghami, Jahangir, (۲۲۲۲), An Introduction to the Recognition of Historical Documents, Tehran: Anjomane Asare Melli.
- Lane, George, (۰۰۰۰), Iran in the Early Ilkhanate, translated by Abolfazl Razavi, Tehran: Amir Kabir.
- Lambton, An, (۸۸۸۸), Continuity and Evolution in the Middle History of Iran, translated by Yaghoub Azhand, Tehran: Nashre Ney.
- Christian Sen, Arthur, (۲۰۰۲), Iran during the Sassanids, translated by Rashid Yasemi, Tehran: Donyaye Ketab.
- Majdi, Mowaffaq Ibn Muhammad, Manuscript of Mesbah al-Rasa'il and Muftah al-Fadha'il, Tahrir ۲۲۲, No. ۸۸۸, Ketabkhane Majlese Shoraye Eslami: IR ۱۰-۱۱۱۱, ۱ retrieved number: ۸۸۸.

- Secretary, Nouredin, (۲۲۲۲), Tools and Evidences, edited by Reza Samiuzadeh, Tehran: Anjomane Asar And Mafakher Farhangi.
- Munshi Kermani, Nasser al-Din, (۴۴۴۴), Nisaim al-Ashar from Lataim al-Akhbar, edited by Mir Jalaluddin Hosseini, Tehran: Entesharate Ettelaat.
- Nesavi, Shahabuddin Mohammad, (۱۹۰۶), Sira Jalaluddin or Tarikh Jalali, edited by Mohammad Naseh, Tehran: Anjomane Adabi Iran.
- Nakhjavani, Mohammad Ibn Hindushah, (۶۶۶۶), The Order of the Writer in Determining the Ranks, edited by Abdul Karim Ali Oghli Alizadeh, Moscow: Academy of Sciences of the Soviet Socialist Republic of Azerbaijan.
- Wasaf, Abdullah bin Fazlullah, (۰۰۰۰), The disintegration of the times and the disintegration of the times, Tehran: Ibn Sina.
- Watat, Rashid al-Din, (۰۰۰۰), Letters of Rashid al-Din Watat, edited by Qasem Tuyserkani, Tehran: Daneshgahe Tehran.
- Watabe, Ryoko, ( ), "A Study in the Structure of Collections of the Origin of the Secretary and the Evolution of Writing Rituals in the Mongol Period", Ketabe Mah And Joghrafia, pp. ۱۱- .
- Wilber, Donald, ( ), Islamic architecture of Iran in the Ilkhanate period, translated by Abdullah Farbar, Tehran: Elmi And Farhangi.
- Yarmohammadi, Taktam, Khosro Beigi, Houshang, (۷۷۷۷), "Identification and study of alternative military organizations in the Ilkhanate", Journal of Iranian History, No. ۲۲, pp. ۷۷-۸۸.
- Atwood, Christopher (۴۴۴۴). P, Encyclopedia of Mongolia and the Mongol Empire, New York: Facts On File, Inc
- Doerfer, Gerhard (۵۵۵۵), Turkische und Mongolische Element Im Neupersischen, Wiesbaden: Franz steiner Verlag. Band II.